

نقش دین در خودباوری زنان

عاطفه کماسی¹

چکیده

مسئله خودباوری زنان در بسترهای دینی یکی از مباحث مهم در حوزه دین‌پژوهی و مطالعات زنان است. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش دین در تقویت یا تضعیف خودباوری زنان، با رویکردی تحلیلی-تطبیقی و مبتنی بر منابع اسلامی، مسیحی و یهودی انجام شده است. در این مقاله تلاش شده با تحلیل متون مقدس و تفاسیر برجسته، تصویر زن و جایگاه او در ادیان ابراهیمی بازخوانی شود. روش تحقیق، تحلیل محتوای منابع دینی و آثار مفسران و اندیشمندان معاصر بوده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که دین می‌تواند پشتوانه‌ای قوی برای خودباوری زنان باشد، مشروط به آنکه با تفاسیر انسانی، تاریخی و برابرنگر خوانده شود. در مقابل، برداشت‌های مردسالارانه از متون، موجب تضعیف اعتماد به نفس زنان و حاشیه‌نشینی آنان شده است. نوآوری پژوهش، طرح خوانش فمینیستی-اجتهادی از متون و معرفی راهکارهای اصلاحی در تفسیر نقش زن است.

کلیدواژه‌ها: ادیان ابراهیمی، خودباوری، دین، زن، نقش اجتماعی

1. طلبه پایه پنجم، مدرسه علمیه امام خمینی رحمه الله علیه، کرمانشاه.

نقش دین در خودباوری زنان، مسئله‌ای چندبعدی است که همزمان جنبه‌های روان‌شناختی، اجتماعی، تاریخی و دینی را در بر می‌گیرد. بررسی اینکه آموزه‌های دینی چگونه می‌توانند خودباوری زنان را تقویت یا تضعیف کنند، محور اصلی این پژوهش است. پیشینه مطالعاتی، بیشتر معطوف به تحلیل تک‌متنی و گاه تفاسیر سنتی از نقش زن در اسلام یا دیگر ادیان بوده است؛ اما پژوهش حاضر با رویکرد تطبیقی و تحلیلی میان سه دین بزرگ ابراهیمی تلاش دارد تصویری جامع‌تر و روزآمدتر از این رابطه ارائه دهد.

اهمیت این پژوهش در آن است که می‌کوشد با ارائه خوانشی منصفانه و اجتهادی از متون مقدس، الگوهای مؤثر دینی را در جهت تقویت هویت معنوی و عزت نفس زنان بازشناسی کند. نوآوری پژوهش، در استفاده از مفاهیم فمینیسم دینی، نقد تفاسیر مردسالارانه و پیشنهاد راهکارهای بازخوانی متون در راستای عدالت جنسیتی است. بر همین اساس، مقاله در پاسخ به دو سؤال اصلی شکل گرفته است: (۱) دین چگونه بر خودپنداره و خودباوری زنان اثر می‌گذارد؟ (۲) چه تفاسیر یا راهکارهایی می‌تواند به بازسازی نقش مثبت دین در این زمینه بینجامد؟ سؤالات فرعی نیز شامل بررسی تصویر زن در متون دینی، نقش الگوهای زنانه، و نقد تفاسیر محدودکننده است.

مقاله در سه بخش اصلی تنظیم شده است: ابتدا نقش دین در شکل‌دهی هویت و تصویر ذهنی زنان بررسی شده، سپس ابعاد حمایتی دین در تقویت استقلال، آرامش روانی و مشارکت اجتماعی زنان تحلیل گردیده و در پایان، چالش‌های ناشی از تفسیرهای سنتی و راهکارهای اصلاحی مورد بررسی قرار گرفته است. مفاهیمی چون خودباوری، عزت نفس، قوامیت، شهادت، فقه پویا، و الهیات فمینیستی به‌عنوان مفاهیم کلیدی در مقاله تعریف و تحلیل شده‌اند.

۱. دین به عنوان پایه‌گذار هویت و خودانگاره زنانه

دین به‌عنوان یکی از نهادهای بنیادی و اثرگذار در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی، نقشی کلیدی در شکل‌دهی به هویت فردی و اجتماعی زنان ایفا می‌کند. آموزه‌های دینی، با تکیه بر متون مقدس و سنت‌های تفسیری، به تبیین جایگاه زن در جهان خلقت و جامعه پرداخته و با تعریف نقش‌ها، مسئولیت‌ها و ویژگی‌های زنانه، زمینه‌ای فراهم می‌آورند برای شناخت بهتر نفس، ارزش وجودی و استعداد‌های نهفته در زنان. این تعالیم، به‌ویژه در بسط ادیان ابراهیمی همچون اسلام، مسیحیت و یهودیت، از طریق روایت‌هایی که بر کرامت ذاتی انسان، مسئولیت‌پذیری روحی و توانمندی‌های فردی زنان تأکید می‌ورزند، نقشی برجسته در پرورش خودباوری و تقویت عزت نفس آنان دارند. مقایسه تطبیقی میان این ادیان نشان می‌دهد که اگرچه در طول تاریخ تفاوت‌هایی در برداشت‌ها و تفسیرها شکل گرفته است، اما وجه اشتراک آن‌ها در پذیرش قابلیت‌های معنوی و انسانی زن، می‌تواند پشتوانه‌ای مؤثر برای تقویت اعتمادبه‌نفس زنان در جهان معاصر باشد. این مفاهیم نه‌تنها جنبه نظری دارند، بلکه در مواجهه با چالش‌های روانی و اجتماعی نیز می‌توانند نقش حمایتی ایفا کنند.

۱.۱ تصویر زن در آموزه‌های دینی

در آموزه‌های اسلامی، تصویر زن مبتنی بر کرامت ذاتی، آفرینش مشترک با مرد و شایستگی‌های معنوی برابر ترسیم شده است. قرآن کریم با بیان روشن در آیه‌ای می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى» (نساء، ۱)

این آیه نه‌تنها از اشتراک زن و مرد در آفرینش خبر می‌دهد، بلکه به‌روشنی تأکید دارد که هویت انسانی آنان، از ریشه‌ای واحد و مشترک سرچشمه می‌گیرد؛ امری که کرامت وجودی زن را به‌عنوان بخشی از اصل آفرینش، تثبیت می‌کند. افزون بر این، در آیه ۳۳:۳۵ نیز قرآن مردان و زنان را به‌طور مساوی در عرصه‌های مختلف ایمان، عبادت، صداقت، صبر، خشوع، انفاق و سایر مسئولیت‌های دینی مورد خطاب قرار می‌دهد و به یکسان بودن پاداش و مغفرت الهی برای آن‌ها تصریح می‌کند (همان، آیه ۳۳:۳۵).

علامه طباطبایی در تفسیر این آیات تأکید می‌کند که چنین تأکیدی از سوی قرآن، ساختار خودانگاره زن مسلمان را نه بر پایه جنسیت، بلکه بر بنیان شایستگی‌های معنوی و تقوای فردی سامان می‌دهد. وی در جلد دوم تفسیر المیزان می‌نویسد که این نگاه قرآنی، موجب می‌شود که زن، هویت دینی خود را به‌عنوان موجودی کامل،

مسئول و شایسته در مسیر بندگی و رشد، درک کرده و بر اساس آن، به خودباوری دست یابد (طباطبایی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۱۲).

۱.۱.۱ بررسی جایگاه زن در ادیان مختلف

۱. مسیحیت

در رساله غلاطیان از عهد جدید، یکی از آموزه‌های محوری بر مساوات روحانی انسان‌ها تأکید دارد؛ چنان‌که آمده است:

«فَإِنَّهُ فِي مَسِيحٍ لَا يُوجَدُ لَ رَجُلٌ وَلَا امْرَأَةٌ»

(انجیل مقدس، ترجمه کتابستان معرفت، ۱۳۹۱، غلاطیان ۳:۲۸)

این عبارت گویای آن است که در منظومه ایمان مسیحی، ملاک برتری یا تمایز، نه جنسیت، بلکه پیروی از مسیح و ایمان قلبی است؛ بنابراین، زن و مرد در موقعیت روحانی و ارتباط با خداوند، جایگاهی برابر دارند. این آموزه به‌ویژه در برساخت خودانگاره زنان مؤمن، نقشی کلیدی ایفا می‌کند؛ چراکه مرزهای سنتی مبتنی بر تفوق جنسیتی را در برابر ایمان، از میان برمی‌دارد.

علاوه بر این، در کتاب امثال سلیمان، فصل ۳۱، تصویری عمیق و چندبعدی از زن نیکوکار ارائه شده است. زن صالحی که در این توصیف آمده، نه تنها اهل تدبیر و سخاوت است، بلکه دارای بینشی وسیع، توان اقتصادی و توانمندی مدیریتی نیز هست. این ویژگی‌ها نشان می‌دهد که زن در متون دینی یهودی-مسیحی، نه موجودی منفعل، بلکه کنشگری هوشمند، کوشا و خردمند ترسیم شده است که لیاقت، شایستگی و ارزش درونی او مورد تأکید قرار می‌گیرد. کریمیان در تحلیل این بخش می‌نویسد که چنین تصویری از زن، در تقویت عزت نفس و خودباوری زنان دین‌مدار نقش بسیار مؤثری دارد (کریمیان، ۱۳۸۷، ص ۱۸).

۲. یهودیت

در کتاب داوران از عهد عتیق (فصول ۴ و ۵)، ماجرای دבורا، یکی از برجسته‌ترین زنان تاریخ قوم اسرائیل، روایت می‌شود؛ زنی که در عین ایفای نقش به‌عنوان پیام‌آور و داور دینی، رهبری نظامی قوم خود را نیز

به‌دوش کشید. او با درایت و جسارت، فرماندهی جنگی را برعهده گرفت و پیروزی مهمی برای بنی‌اسرائیل رقم زد. این روایت که در متون دینی آمده است، نمونه‌ای مهم از مشارکت زنان در سطوح بالای تصمیم‌گیری اجتماعی، سیاسی و دینی است و به‌روشنی نشان می‌دهد که زن نیز در مناصب قدرت می‌تواند حضور مؤثر و موفقی داشته باشد (Freedman، ترجمه هشتمی، ۱۳۹۰، ص ۵۰).

در کنار دبورا، شخصیت استر نیز در سنت دینی یهود جایگاه ویژه‌ای دارد. داستان زندگی استر در کتابی به همین نام در مجموعه تورات آمده است؛ روایتی از زنی که در دربار پادشاه ایران با شجاعت، عقلانیت و تکیه بر ایمان خود، موفق شد توطئه‌های عظیم را خنثی کند و از نابودی قوم خود جلوگیری نماید. او برخلاف انتظارهای رایج دربارهٔ انفعال زنان در ساختارهای قدرت، با هوشمندی تمام و روحیهٔ مقاوم، نقش‌آفرینی می‌کند و به‌عنوان قهرمانی زنانه، الهام‌بخش زنان مؤمن در تمام دوران‌هاست (تورات و نبییم و کتیم، ترجمه سبحانی، ۱۳۹۰). چنین بازنمایی‌هایی در متون دینی، به‌ویژه در سنت یهودی، گواهی بر توانمندی ذاتی زنان در عرصه‌های حساس و پیچیده اجتماعی است و به تقویت خودباوری و تصویر مثبت از خویشتن در زنان می‌انجامد.

۲.۱.۱ تأثیر متون دینی بر شکل‌گیری تصویر ذهنی زنان از خود (مثبت یا منفی)

آموزه‌های دینی به واسطهٔ تعریف جایگاه زن در خلقت، مناسبات اجتماعی، وظایف خانوادگی و ساحت معنوی، نقشی کلیدی در شکل‌دهی به تصویر ذهنی زنان از خویش ایفا می‌کنند. این متون نه تنها پایه‌گذار نوع نگاه جامعه به زن‌اند، بلکه بنیان‌گذار خودادراکی زنان از شأن، توانایی و کرامتشان در مواجهه با نقش‌های فردی و جمعی نیز محسوب می‌شوند. از این رو، نگاه دینی به زن هم می‌تواند سرچشمه‌ای برای تقویت عزت‌نفس، احساس ارزشمندی و رشد معنوی باشد و هم در صورتی که تنگ‌نظرانه و نابرابر تفسیر شود، زمینه‌ساز تضعیف اعتمادبه‌نفس و تجربهٔ حاشیه‌نشینی فردی و اجتماعی گردد.

بُعد مثبت

در متون اسلامی، آیات متعددی بر خلقت هم‌تراز زن و مرد تأکید دارند و زن را به‌عنوان موجودی برخوردار از کرامت ذاتی معرفی می‌کنند. این نگاه، زنان را واجد شایستگی برای مشارکت در فعالیت‌های علمی، تربیتی

شهادت زنان، نه ذات زنانه بلکه شرایط تاریخی و فرهنگی زمان نزول آیات بوده است. بنابراین، بازنگری در قوانین مبتنی بر این آیه در فقه معاصر ضروری به نظر می‌رسد (بستان، ۱۳۷۵، ص ۹۸).

در سنت مسیحی نیز بازخوانی آیه ۱ تیموتائوس ۲:۱۲ با رویکردهای فمینیستی، زمینه‌ساز بازتعریف نقش زنان در کلیسا شده است. تفسیرهای جدید پیشنهاد می‌کنند که این فرمان مربوط به شرایط خاص زمانی بوده و نباید به‌عنوان حکمی جهان‌شمول برای تمامی زمان‌ها تلقی شود (محمودی، ۱۳۹۶، ص ۷۰).

همچنین، در یهودیت، آیه تثنیه ۵:۲۲ را می‌توان با نگاهی تاریخی-اجتماعی بازخوانی کرد تا روشن شود که این دستور، بیشتر ناظر به حفظ هویت فرهنگی در بافت آن زمان بوده است، نه حکمی ابدی و تغییرناپذیر درباره پوشش و نقش‌های جنسیتی. بر این اساس، تفسیری تطبیقی و نواندیشانه می‌تواند زمینه‌ساز رفع محدودیت‌های نابه‌جای اعمال‌شده بر زنان باشد (محمد، ۱۳۹۴، ص ۵۰).

در مجموع، این بررسی‌ها نشان می‌دهد که بخش قابل‌توجهی از چالش‌های کنونی زنان در ادیان ابراهیمی، ناشی از قرائت‌های مردسالارانه و ایستای دینی است که اکنون با گفتمان اجتهادی پویا و رویکردهای تفسیری نو، قابل اصلاح و بازنگری هستند.

۲.۳ راهکارهای پیشنهادی برای خوانش برابرگرایانه

۱.۲.۳ ضرورت اجتهاد پویا و الهیات فمینیستی

در پاسخ به چالش‌های ناشی از تفسیرهای مردسالارانه و نابرابر، راهکارهایی در بستر سه دین ابراهیمی مطرح شده است که با تمرکز بر مفاهیمی چون اجتهاد پویا و الهیات فمینیستی، به‌دنبال ایجاد تحول در خوانش متون مقدس و بازسازی جایگاه زن در ساختار دینی هستند.

در اسلام، اجتهاد پویا به‌عنوان راهی برای به‌روزرسانی فهم دینی در پرتو مقتضیات زمان و مکان، شناخته می‌شود. این نوع اجتهاد، با توجه به تحولات اجتماعی، فرهنگی و علمی، تلاش می‌کند تا خوانش‌هایی متناسب با عدالت جنسیتی از متون دینی ارائه دهد. به تعبیر فیض، «فقه پویا می‌تواند محدودیت‌های تحمیلی را از متن اسلام بزدايد و تفسیرهای منعطفی ارائه دهد که متناسب با واقعیت‌های نوین زندگی زنان باشد» (فیض، ۱۳۸۲، ص ۴۰). این رویکرد به جای تأکید بر ظاهرگرایی، بر مقاصد کلان شریعت و روح برابری‌طلب آن متمرکز

در مسیحیت، ظهور الهیات فمینیستی، تلاشی است برای بازخوانی انتقادی عهد جدید و ساختارهای کلیسایی. همان‌گونه که محمودی تصریح می‌کند، این جریان فکری «درصد تحلیل انتقادی متون عهد جدید و ارائه دیدگاهی است که زنان را نه فقط به‌عنوان پیرو، بلکه به‌عنوان شریک فعال در تحقق رسالت کلیسا معرفی کند» (محمودی، ۱۳۹۶، ص ۶۵). این نوع الهیات، نابرابری‌های ساختاری را به چالش می‌کشد و بر شایستگی زنان در امور تعلیم، رهبری و معنویت تأکید می‌ورزد.

در یهودیت نیز، جریان‌های فکری نوین در قالب خوانش‌های فمینیستی از تورات، کوشیده‌اند با رویکردی انتقادی-تاریخی، نقش و حقوق زنان را برجسته سازند. بر پایه دیدگاه محمد، این رویکرد «با تکیه بر نقد تاریخی-متنی و بازخوانی نوین تورات، می‌کوشد ساختارهای جنسیتی تبعیض‌آمیز را تضعیف کرده و حقوق برابر زنان را برجسته و قابل احراز سازد» (محمد، ۱۳۹۴، ص ۷۵). چنین نگرشی، ضمن وفاداری به بنیادهای دینی، نگاهی تازه به مفاهیم عدالت، برابری و کرامت انسانی زنان عرضه می‌دارد.

این رویکردهای سه‌گانه در کنار هم، افقی از اصلاح و بازسازی دینی را ترسیم می‌کنند که در آن، زن نه در حاشیه که در متن دین، حضور آگاهانه و تأثیرگذار دارد.

۲.۲.۳ نقش زنان عالم و مصلح در بازتعریف هویت دینی زنانه

یکی از ارکان مهم در مسیر بازتعریف هویت زنانه در بستر دین، حضور و فعالیت زنان عالم و مصلحی است که با تلاش‌های نظری و عملی خود، چارچوب‌های سنتی را به چالش کشیده و به ارائه روایت‌هایی بدیل و برابرگرایانه از دین کمک کرده‌اند. در هر یک از سه دین ابراهیمی، نمونه‌هایی از این زنان دیده می‌شود که با کنشگری فکری و اجتماعی خود، نقش مؤثری در تحول نگاه دینی نسبت به زنان ایفا کرده‌اند.

در اسلام، فاطمه المرینیسی در اثر خود با عنوان شورش زنان و حافظه اسلامی، به واکاوی زندگی و نقش‌آفرینی زنان بزرگ در قرون وسطی اسلامی می‌پردازد. او نشان می‌دهد که چگونه زنان در تاریخ تمدن اسلامی، در حوزه‌های فقه، حدیث، تاریخ و حکمت فعال بوده‌اند و با پشتکار علمی خود، فضایی برای حضور آگاهانه و مؤثر زنان در عرصه‌های معرفتی گشوده‌اند. مرینیسی تأکید دارد که این چهره‌های فراموش‌شده می‌توانند الگوهایی الهام‌بخش برای زنان معاصر باشند، زیرا «حضور فعال آنان در علوم دینی و تاریخی،

نه تنها هویتی مستقل و توانمند برای زنان ترسیم می‌کند، بلکه اعتمادبه‌نفس را در زنان امروز برای بازیابی جایگاه خویش در متون و مناسبات دینی تقویت می‌نماید» (المرینیسی، ۱۳۷۲، ص ۳۰).

در مسیحیت، هانس کونگ در کتاب زن در مسیحیت با تحلیل دقیق نقش زنان در تاریخ این دین، از جمله قرون وسطی، رنسانس و جنبش‌های اصلاح‌طلبی، به روشنی نشان می‌دهد که مشارکت زنان تنها به سطح پیروی محدود نبوده، بلکه در فرآیند تحول الهیات مسیحی نقش‌محوری داشته‌اند. وی تأکید می‌کند که «زنان در جنبش‌های اصلاح‌طلبی کلیسا نقشی بی‌بدیل داشته و این نقش باید به رسمیت شناخته شود، تا الهیات معاصر نیز از صدای آنان غنا یابد و روایت دینی از انحصار مردانه خارج شود» (کونگ، ۱۳۹۸، ص ۸۰). این نگاه، زمینه‌ساز طرح دیدگاه‌هایی است که زنان را به‌عنوان صاحبان اندیشه و عاملان اصلاح در ساختار دینی می‌پذیرد.

در یهودیت نیز، تحولات نوین فکری باعث شده زنان عالم در کانون توجه قرار گیرند. متفکرانی همچون دکتر لادینا ادرزر، با بازخوانی انتقادی منابع سنتی یهود و ارائه تفاسیر نوین، تلاش کرده‌اند تا چهره زن را از حاشیه به مرکز روایت‌های دینی بازگردانند. محمد در تحلیل این رویکردها اشاره می‌کند که «این خوانش‌های نوین، زنان عالم را در متن سنت دینی جای می‌دهند و از طریق نشست‌های بین‌المللی و همایش‌های تخصصی، گفتمان دینی را از منظر تجربه و عقل زنانه بازآفرینی می‌کنند» (محمد، ۱۳۹۴، ص ۸۰). چنین روندی، افق تازه‌ای برای پذیرش نقش فعال زنان در حوزه دین فراهم کرده است.

در مجموع، این تجارب نشان می‌دهند که مشارکت فکری و عملی زنان در عرصه‌های دینی، بسترساز تحول در تلقی‌ها و احکام و نیز زمینه‌ساز شکل‌گیری هویتی توانمند، معنادار و متصل به دین برای زنان در دنیای معاصر است.

مطالعه تطبیقی آموزه‌های دینی در سه دین ابراهیمی نشان می‌دهد که متون مقدس، هم ظرفیت‌های بالایی برای ارتقاء خودباوری زنان دارند و هم در مواردی به واسطه تفاسیر مردسالارانه، می‌توانند مانعی برای رشد فردی و اجتماعی آنان شوند. آنچه موجب تفاوت کارکرد دین در این زمینه می‌شود، نه خود متون، بلکه شیوه تفسیر و نوع نگاه به زن است. آموزه‌هایی چون کرامت ذاتی، خلقت مشترک زن و مرد، تشویق به علم‌آموزی، مشارکت اجتماعی و استقلال مالی، همه نشان از ظرفیت‌های حمایتی دین در تقویت خودباوری زنان دارند.

از سوی دیگر، بازخوانی نقادانه آیات و روایاتی که به‌نادرست بر برتری مردان یا ناتوانی زنان تأکید کرده‌اند، ضروری است؛ چراکه استمرار چنین تفاسیری، تصویر زنان را در ذهن خود و دیگران مخدوش می‌سازد و مانع مشارکت مؤثر آنان در عرصه‌های گوناگون می‌شود. رویکرد اجتهادی-تاریخی و الهیات فمینیستی، می‌تواند راهی برای بازتعریف جایگاه زن در دین و جامعه باشد؛ مشروط بر آن‌که با تکیه بر منابع اصیل و عقلانیت زمانه، خوانش‌هایی منصفانه، متعادل و هدفمند ارائه گردد.

نتیجه آنکه دین، نه تنها مانع خودباوری زنان نیست، بلکه در صورت بهره‌گیری صحیح و تفسیر متعادل، می‌تواند یکی از نیرومندترین منابع معنوی، روانی و اجتماعی برای تقویت عزت نفس، خودپنداره مثبت و مشارکت فعال زنان در جامعه باشد. آینده پژوهی در این عرصه، باید بر تولید دانش بومی-دینی از سوی خود زنان، با مشارکت علمی و فکری آنان، متمرکز شود.

منابع

قرآن کریم

۱. آرمان امروز. (۱۴۰۴). «زنان و مسئولیت اجتماعی».
۲. المرینیسی، فاطمه. (۱۳۷۲). شورش زنان و حافظه اسلامی. ترجمه زهرا طاهری. چاپ اول. تهران: سمت.
۳. ایمان نور. (۱۴۰۳). «کار کردن و اشتغال زنان از نگاه اسلام».
۴. بستان، حسین. (۱۳۷۵). زن در قرآن. چاپ دوم. قم: انتشارات هاجر.
۵. جهانشاهی، مینا. (۱۴۰۰). زن در جدال سنت و تجدد. چاپ اول. تهران: ایران کتاب.
۶. حسینی اکبرنژاد، هاله و شوشتری، زهرا. (۱۴۰۱). زن در قرآن. چاپ اول. تهران: انتشارات فرانگر.
۷. خیرگزاری دانشجو. (۱۴۰۳). «دین اسلام در مورد اشتغال زنان چه دیدگاهی دارد؟».
۸. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه. (۱۳۹۷). «کتابشناسی زن در قرآن»، نشریه پژوهش‌های قرآنی.
۹. فهیمی، محمدکاظم؛ حق‌شناس، مهدی و ساعی، زهرا. (۱۳۸۴). زن در سنت و در تحول اسلام. چاپ اول. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۰. علاسوند، فریبا. (۱۴۰۱). زن در اسلام. چاپ سوم. قم: انتشارات هاجر.
۱۱. فیض، محمد. (۱۳۸۲). فقه پویا. چاپ اول. تهران: نشر قدس.
۱۲. قادری، زهرا. (۱۳۹۸). خدیجه کبری؛ بانوی پیشتاز اسلام. چاپ اول. قم: انتشارات هاجر.
۱۳. کونگ، هانس. (۱۳۹۸). زن در مسیحیت. ترجمه علی‌اشرف صادقی. چاپ اول. تهران: نشر ثالث.
۱۴. مرادی، بنفشه و طباطبایی، زهرا. (۱۳۸۵). زن در قرآن. چاپ دوم. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
۱۵. مرادی، محمد و طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۸۵). زن در قرآن. چاپ دوم. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
۱۶. محمد، سمیه. (۱۳۹۴). زن در یهودیت: بازخوانی فمینیستی. چاپ اول. تهران: نشر هرمس.
۱۷. محمدی، (1395). اسلام و بزرگداشت زن. قم: مؤسسه دارالکتب.
۱۸. محمودی، اعظم. (۱۳۹۶). الهیات فمینیستی مسیحیت. چاپ اول. تهران: نشر مروارید.
۱۹. مولایی‌نیا، احمد. (۱۳۸۴). بازنگری آیه ۳۴ نساء. چاپ اول. تهران: ناشر.
۲۰. نقش زن و جایگاه حقوقی او در قرآن. (۱۳۹۸). قم: انتشارات اهل سنت.
۲۱. نوون، هنری. (۱۳۹۶). زندگی معنوی زنان. ترجمه فاطمه فاضلی. چاپ اول. تهران: مهر ویستا.
۲۲. ودود، آمنه. (۱۳۹۴). قرآن و زن. چاپ اول. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.